

# ساختار کنونی اقتصاد بین الملل و رسالتهای اقتصادی جنبش عدم تعهد

محمد جواد ایروانی

استاد دانشگاه تهران

فروردین 1393

## خلاصه

جنبش عدم تعهد برپایه اصول احترام به تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشورهای عضو، عدم تجاوز، عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر، برابری و امتیازات متقابل و همزیستی مسالمت آمیز در دهه 1950 شکل گرفت و به عنوان یک تشکل مهم بین‌المللی، یکی از مجموعه‌های تأثیرگذار بر روند تحولات جهان است. این جنبش به مثابه نشانه‌ای از پایان دوران استعمار، اعلام مخالفت با پذیرش سلطه قدرتهای بزرگ و تریبونی آزاد برای اعلام نظرات و مواضع کشورهای جهان سوم و در حال توسعه بود و عضویت در آن به منزله دستیابی به استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌آمد. با فروپاشی نظام دوقطبی و پایان جنگ سرد و یک قطبی - چندقطبی شدن جهان و تحولات نوین در عرصه بین‌المللی جنبش عدم تعهد نیز با وضعیت نوینی مواجه گردید. لازم است تا جنبش عدم تعهد در بعد اقتصادی نیز همسو با تحولات اقتصاد بین‌المللی تدابیر لازم و تلاش‌های هدفمندی را در جهت حفظ اصول و اهداف اولیه بنیانگذاران بکار گیرد.

همان طور که ایستادگی در برابر نظام دو قطبی یکی از اهداف جنبش عدم تعهد در زمان تاسیس بود، مقابله با نظام تک قطبی نیز به یکی از اهداف اصلی این جنبش در حال حاضر تبدیل شده است. جنبش عدم تعهد به واسطه تنوع و تکرر اعضای آن می‌تواند به پایگاهی تصمیم ساز در حوزه‌های مختلف سخت افزاری و نرم افزاری نظام بین الملل از جمله مسایل اقتصادی تبدیل شده و نقش موثری در تجمیع و تقویت اراده جامعه جهانی برای مقابله با گسترش روند یکجانبه گرایی و تک قطبی شدن نظام اقتصاد بین الملل با محوریت نهادهای اقتصادی تحت نفوذ قدرتهای هژمون ایفا نماید.

**کلمات کلیدی:** جنبش عدم تعهد، اقتصاد بین الملل، نهادهای اقتصاد بین الملل، نهادسازی

## بسمه تعالی

### 1- شکل گیری هژمونی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم

در پایان جنگ جهانی دوم میلیون‌ها نفر از مردم اروپا بی‌خانمان گشته و با نابودی بیش از هفتاد درصد از زیرساخت‌های صنعتی، اقتصاد اروپا سقوط کرده بود. (رایت، 1989) این در حالی بود که آمریکا نه تنها دچار ویرانی‌های ناشی از جنگ نشده بود بلکه تقویت اقتصادی این کشور به وسیله توسعه صنعتی زمان جنگ اثرات رکود بزرگ دهه 1930 اقتصاد آمریکا را محو کرده و به اقتصاد این کشور مزیتی نسبت به دوستان و دشمنان آن داده بود.

این گسترش اقتصادی رهبران آمریکا را بر آن داشت تا این کشور را مرکز و محور اقتصاد جهانی قرار دهند زیرا این کشور در آن زمان بیشترین قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی لازم را داشت. آمریکا نه تنها تمرکز منابع تولید را دارا بود، بلکه بهره‌وری تولید آن کشور نیز بیشتر از هر کشور دیگری بود. به علاوه در سال 1944 آمریکا 40 درصد تسلیحات جهان را تولید می‌کرد و نتیجه این امر، افزایش تولید ناخالص ملی واقعی آمریکا از 88 میلیارد دلار در سال 1939 به 135 میلیارد دلار در سال 1944 و آغاز دوران طلایی مازاد ارزی آمریکا بود. (لین، 2012) علاوه بر آن آمریکا با تصویب قانون وام و اجاره در سال 1939 این زمینه را فراهم کرد که به دولت‌هایی که با آلمان و متحدان او در حال جنگ هستند، محصولات تولید شده جنگی را به عنوان وام و یا در عوض پول نقد بفروشد یا به آنها اجاره بدهد.

پایان جنگ جهانی دوم اروپای غربی و ژاپن را در وضعیتی قرارداده بود که از لحاظ سیاسی فاقد سازماندهی لازم و از لحاظ اقتصادی به شدت تخریب شده بودند، در نتیجه ایالات متحده آمریکا به اعطای مجموعه‌ای گسترده از امتیازات اقتصادی، تجاری و مالی به آنها اقدام کرد. در این راستا، ایالات متحده آمریکا از سال 1947 تأمین مالی برنامه مارشال در اروپا و یک سیاست اقتصادی تجاری ویژه در برخورد با ژاپن را آغاز کرد. لذا، قدرت اقتصادی بی‌نظیر ایالات متحده آمریکا به عنوان ابزار اصلی توسعه و تحکیم نظم بین‌المللی و رشد و گسترش اقتصاد بین‌المللی لیبرال در دوران پس از جنگ جهانی دوم به ایفای نقش پرداخت. کمک‌های مالی آمریکا در قالب طرح مارشال موجب احیای ژاپن و اروپای غربی بود به شکلی که خیلی زود آنها توانستند به جایگاه خود در ابعاد مختلف سیاسی و اقتصادی در عرصه بین‌المللی دست یابند.

حجم کمکهای آمریکا در قالب طرح مارشال به کشورهای مختلف				
کشور	1948-49 (میلیون دلار)	1949-50 (میلیون دلار)	1950-51 (میلیون دلار)	مجموع کمکها (میلیون دلار)
استرالیا	232	166	70	468
بلژیک و لوگزامبورگ	195	222	360	777
دانمارک	103	87	195	385
فرانسه	1085	691	520	2296
آلمان غربی	510	438	500	1448
یونان	175	156	45	376
ایسلند	6	22	15	43
ایرلند	88	45	0	133
ایتالیا	594	405	205	1204
هلند	471	302	355	1128
نروژ	82	90	200	372
پرتغال	0	0	70	70
سوئد	39	48	260	347
سوئیس	0	0	250	250
ترکیه	28	59	50	137
انگلیس	1316	921	1060	3297
جمع کل	4924	3652	4155	12731

Source: U.S. Bureau of the Census, Statistical Abstract of the United States

## 2- تولد نهادهای اقتصاد بین الملل در سایه هژمونی آمریکا

نهادهای و چارچوب اقتصاد جهانی ریشه در طرحهایی دارند که برای نظم نوین اقتصاد جهانی در آخرین مرحله جنگ جهانی دوم به وجود آمدند. کنفرانس برتون وودز در سال 1944 جنبه‌های کلیدی امور اقتصاد بین‌الملل از طریق ایجاد استانداردهای تبدیل ارزهای دیگر به دلار آمریکا و زمینه تبدیل پول این کشور به یک ارز جهان روا فراهم نمود. این کنفرانس با حضور نمایندگان 44 کشور تشکیل گردید و در آن موافقت‌نامه‌های راه‌اندازی بانک بین‌المللی بازسازی و توسعه<sup>1</sup> و صندوق بین‌المللی پول<sup>2</sup> به امضا رسید. (هاروی، 2004)

۱. International Bank for Reconstruction and Development

۲. International Monetary Fund

صندوق بین‌الملل پول با هدف حمایت از نرخ ثابت مبادله ارزی و ارائه کمک‌های اضطراری به کشورهایی که با بحران‌های موقتی در تراز پرداخت خود روبرو بودند به‌وجود آمد. این صندوق در سال 1945 با 45 کشور عضو با هدف بهبود مناسبات پولی بین‌المللی و ایجاد سیستم پرداخت‌های بین‌المللی رسماً تاسیس شد. کشورها با پرداخت پول به صندوق دارای سهمیه و حق رأی می‌شوند و این صندوق عملاً همانند یک شرکت که با پرداخت سهم شرکت می‌توان دارای حق رأی شد اداره می‌گردد. این صندوق با بررسی اقتصاد و سیاست‌گذاری‌های کشورهای عضو و پرداخت وام به کشورهای بدهکار و دارای تراز تجاری منفی، سعی در بهبود شرایط اقتصادی کشورها و تثبیت نظام پولی بین‌المللی دارد. در این میان سهمیه در حدود 18 درصدی آمریکا در صندوق بین‌المللی پول و سازوکار تصمیم‌گیری و یا وتوی تصمیمات، در عمل آمریکا را تبدیل به تصمیم‌ساز اصلی این صندوق نموده است. به اذعان جوزف استیگلیتز اقتصاددان مشهور آمریکایی و قائم مقام سابق بانک جهانی رویکرد پولی فعلی صندوق بین‌المللی پول اهداف اولیه تاسیس این صندوق و رسالت آن در کمک و هدایت اقتصاد کشورهای در حال توسعه منحرف شده و به ابزاری برای انعکاس منافع و خواسته‌های نظام‌های مالی غربی بدل شده است.

بانک بین‌الملل بازسازی و توسعه که بعدها بانک جهانی نامیده شد با این هدف به‌وجود آمد تا بازسازی و سرمایه‌گذاری را در اروپا تسهیل نماید. همچنین وظیفه کمک به توسعه دیگر کشورها و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی به آن واگذار شد که این دستورکار بعدها به اصلی‌ترین دلیل وجودی آن تبدیل شد. بانک جهانی پرداخت وام به کشورها را مشروط به اجرای سیاست‌های تجویزی توسط خود را می‌نماید در حالیکه پیامدهای اجرای توصیه‌های بانک جهانی در بسیاری کشورها منجر به تشدید بحران‌های آنها گردیده است. به گفته جوزف استیگلیتز بانک جهانی اعمال سیاست‌های رادیکالی بازار آزاد که پایه لیبرالیسم اقتصادی شکست خورده غربی است را تشویق می‌کند و این سیاست‌های تجویزی از دلایل اصلی تشدید معضلات اقتصادی کشورهای وام‌گیرنده بوده است.

از زمان تاسیس بانک جهانی تمامی روسای آن آمریکایی بوده و سیاست‌گذاری‌های آن همواره دستمایه اهداف آمریکا قرار گرفته است. قدرت رأی‌دهی در بانک جهانی که مانند صندوق بین‌المللی پول با ساز و کار یک شرکت سهامی و بر اساس پرداخت حجم سهمیه هر کشور است همواره مورد انتقاد بوده است. کشورهای در حال توسعه و کشورهای جهان سوم که دریافت‌کنندگان وام‌های بانک جهانی هستند سهم اندکی در تصمیم‌گیری‌ها داشته و به وسیله وام‌های پرداختی وابسته و مرهون کشورهای غربی به سرمداری آمریکا قرار می‌گیرند. اعتراضات به این ساختار باعث شد تا در سال 2010 این ترکیب مورد بازبینی قرار گیرد تا سهم کشورهای در حال توسعه افزایش و سهم کشورهای توسعه یافته کاهش یابد ولیکن عدم کاهش سهم آمریکا عملاً تغییری در ارکان

تصمیم‌گیری ایجاد نکرد و آمریکا همچنان با 15/85 درصد رأی به عنوان بزرگترین سهامدار، حق تاثیرگذاری و تغییر تصمیمات را داراست زیرا که تصمیمات مهم و حیاتی صرفاً با 85% آرا امکان‌پذیر است.

این نهاد برای وام دادن، مجموعه اقداماتی چون کاهش هزینه‌های دولت، سیاست‌های ریاضت اقتصادی، خصوصی‌سازی، حذف کلیه سوبسیدها و آزادسازی سرمایه‌گذاری خارجی و... استفاده می‌کند، که همگی آنها در راستای جهانی‌سازی موردنظر آمریکا قرار دارد. ایالات متحده آمریکا جهت نهادینه کردن قواعد و قوانین تجارت آزاد پس از ناکامی تشکیل سازمان بین‌المللی تجارت (ITO) در سال 1921 به صورت موقت قواعد تجارت آزاد در سطح محدودی از کشورها توافق‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) را در سال 1947 در ژنو شکل داد. (جاکسون، 1994) در واقع آمریکا از طریق ایجاد و توسعه زمینه‌های فعالیت صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، تلاش کرد تا اقتصاد جهانی ویران شده پس از جنگ را دوباره بازسازی نماید و بوسیله سیستم اقتصاد آزاد تثبیت اقتصاد بین‌المللی را انجام دهد. کشورهای امضاءکننده گات با پذیرش آن از به‌کارگیری ابزار گمرکی برای حمایت از بازارهای مصرفی و کالاهای تولیدی خود نیز به تدریج خلع‌سلاح شدند. بدین ترتیب از فرادای جنگ جهانی دوم، حاکمیت آمریکا بر جهان سرمایه‌داری در عمل برقرار گردید و این تسلط خصوصاً از طریق نهادهایی که آمریکا مؤسس آنها بوده است، تحکیم یافت.

### 3- نهادهای اقتصاد بین‌المللی مروج جهان روایی دلار آمریکا

برای تاسیس نهاد پولی بین‌المللی (به جای طرح صندوق بین‌المللی پول) جان کینز اقتصاددان شهیر انگلیسی پیشنهاد تشکیل یک بانک مرکزی جهانی و یک واحد پول جهان روا به نام بنکور را ارائه نمود که در اجلاس برتن‌وودز با مخالفت آمریکا مواجه و منقضی گردید. اگر چه پس از بحران پولی سال 1968 این پیشنهاد در قالب حق برداشت ویژه از صندوق بین‌المللی پول (SDR) مطرح شد، لیکن سهم بالای آمریکا و نفوذ آن در صندوق عملاً پایان جهان روایی ارزی آمریکا نبود. (گلریز، 1366) در کنفرانس برتون وودز نظم پولی جدید بین‌الملل تحت حاکمیت ایالات متحده برقرار گردید و براساس آن در واقع تمام مناطق پولی غرب خصوصاً حوزه حاکمیت سابق پوند استرلینگ در پول و اقتصاد بین‌الملل که تحت سیطره آمریکا قرار می‌گرفت، ادغام شد و ارزشهای رایج قابل تبدیل به دلار بر پایه نسبت ثابت تبدیل به طلا یعنی هر اونس طلا معادل 35 دلار گردید. صندوق بین‌المللی پول نیز وظیفه ادغام و یکپارچگی اقتصاد سرمایه‌داری در سطح جهان را سهولت بخشید و از نظم ایجادشده تحت توافقنامه برتون وودز مراقبت کرده و گسترش آن را تقویت نمود.

نقش دلار به عنوان پول برتر جهان روا در برقراری اقتصاد آزاد و گسترش لیبرال دموکراسی غربی پس از جنگ جهانی دوم از اهمیتی وافری برخوردار است. یک سیستم پولی که از کارکردی صحیح و دقیق برخوردار باشد، اساس و عامل اصلی اقتصاد بین‌المللی را تشکیل می‌دهد. وجود سیستم پولی مقبول حاکم بر اقتصاد بین‌المللی زمینه رشد تجارت بین‌المللی را فراهم می‌آورد و آن را سرعت می‌بخشد، سرمایه‌گذاری خارجی را توسعه داده و نهایتاً وابستگی متقابل میان سیستم‌های اقتصادی را در جهان ایجاد و آنرا نهادینه می‌کند. در سیستم اقتصاد بین‌المللی جریانات تجاری و مبادلات پولی و مالی سبب گسترش، تحکیم و تنوع روابط و مبادلات تجاری می‌گردند. بنابراین کارایی و ثبات سیستم پولی بین‌المللی که متکی بر پول جهان روا در سطح اقتصاد جهانی است، به‌عنوان مهم‌ترین عامل توسعه اقتصاد و تجارت بین‌الملل شناخته می‌شود. به بیانی دیگر پول جهان روا با بهره‌مندی از ثبات و کارایی در تسهیل بخشیدن به روابط اقتصادی تجاری، پولی و مالی بین‌المللی، گسترش سیستم اقتصاد سیاسی بین‌المللی یعنی توسعه روابط متقابل میان قدرت‌های اقتصادی و قدرت‌های سیاسی را فراهم می‌کند.

#### 4- ساختار سیاسی-نظامی گسترش هژمونی آمریکا

نظام سرمایه‌داری در شرایطی می‌توانست به فعالیت خود ادامه دهد که علاوه بر تضمین ثبات در عرصه اقتصادی از طریق سازوکارهایی چون گات، بانک جهانی، صندوق بین‌الملل پول و جهان‌روایی ارزی، دارای امنیت در ابعاد سیاسی و نظامی نیز باشد. در شرایطی که جنگ جهانی دوم آسیب‌پذیری بسیاری از بخش‌های جهان را در برابر یک دولت مصمم و مهاجم نشان داده بود بدون تضمین این مهم اصولاً اقتصاد سرمایه‌داری نمی‌توانست تداوم حیات خود را تضمین ببخشد. از طرف دیگر با قدرت‌یابی اتحاد جماهیر شوروی و ایدئولوژی ضدلیبرالی یعنی کمونیسم و اتمی شدن شوروی، کشورهای اروپایی و ژاپن نگرانی‌های امنیتی فراوانی داشتند. فضای تهدید، عملاً شرایطی برای توسعه اقتصادی باقی نمی‌ماند و به همین دلیل آمریکا به‌عنوان ابر قدرت جهانی راه‌حل رفع نگرانی‌ها و ایجاد شرایط برای توسعه اقتصادی و عملکرد اقتصاد سیاسی لیبرال را در تضمین امنیت از طریق یک اتحاد بین‌المللی دانست. بنابراین، هراس‌ها باعث آن شد که آمریکا در پی ایجاد اتحاد نظامی مابین کشورهای طرفدار اقتصاد آزاد باشد که نتیجه این امر تأسیس سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)<sup>۱</sup> در سال 1949 گشت که نمایانگر تعهد دائمی آمریکا برای دفاع از این هم‌پیمانان و تأمین امنیت اقتصاد سیاسی لیبرال بود.

۱. North Atlantic Treaty Organization (NATO)

ایالات متحده همچنین با بهره‌گیری از جایگاه ویژه خود در نظام اقتصاد بین‌المللی تضمین دسترسی به نفت ارزان و فراوان را برعهده گرفت که این امر با توجه به اهمیت نفت در ساختار صنایع تولیدی و اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته، کلید رشد و گسترش اقتصادی و صنعتی در دوران بازسازی بود. در واقع تضمین دسترسی بین‌المللی به نفت از سوی ایالات متحده آمریکا قدرت بین‌المللی این کشور را تحکیم بخشید و جایگاه برتر آن را به‌عنوان محور نظام اقتصاد بین‌المللی لیبرال آشکارتر ساخت. ایالات متحده از دهه 60 مداخله پرهزینه نظامی خود را در کره، ویتنام گسترش داد که این امر موجب افول اقتصادی این کشور گردید. از آنجا که قیمت‌ها در اقتصاد آمریکا افزایش یافته بود، قابلیت رقابت‌پذیری کالاها و خدمات آمریکایی در اقتصاد جهان کاهش یافت. به‌علاوه در نتیجه این جنگ، اعتماد به دلار آمریکا کاهش پیدا کرد. شرکت‌ها و کشورها کمتر از دلار استفاده می‌کردند و ظرفیت ایالات متحده آمریکا برای حمایت از واحد پول خود با کمک طلا مورد تردید قرار گرفت. علت این امر در حجم گسترده چاپ و انتشار دلارهای بدون پشتوانه‌ای بود که به وفور توسط شرکت‌ها و بانک‌هایی آمریکایی در خارج از این کشور و به‌ویژه در بازارهای اروپا خرج می‌شد. در همین فاصله دیگر کشورها در حال تقویت جایگاه خود در اقتصاد جهانی بودند. متحدان اروپایی از همگرایی اقتصادی شدید و رو به گسترش در اروپا و ایجاد بازار مشترک اروپایی بهره می‌بردند.<sup>1</sup> در آسیا موفقیت چشم‌گیر ژاپن در رشد مبتنی بر صادرات و کشورهایمانند کره جنوبی و تایوان که در حال صنعتی‌شدن بودند، چالش جدیدی را برای رقابت‌پذیری تجاری ایالات متحده به‌وجود آورد.

ایالات متحده که با این فشارها روبرو بود در سال 1971 قوانین نظام پولی بین‌الملل را تغییر داد. دولت آمریکا به رهبری ریچارد نیکسون اعلام کرد که دیگر 35 دلار را به یک انس طلا تبدیل نمی‌کند و قصد دارد ارزش خود را شناور و بر تعرفه‌های وارداتی اضافه کند تا تراز تجاری را با کاهش واردات از حالت منفی خارج کرده و تراز پرداختها را نیز بهبود بخشد. این اقدامات درست برخلاف سیستمی بود که در برتون وودز گذاشته شده بود یعنی کاهش و یا افزایش پول هر کشور صرفاً محدود به 2/25% شده بود و از این مرحله به بعد اقتصاد جهانی وارد مرحله‌ای از بحران، عدم اعتماد و اشکالی از حمایت‌گرایی دولتی گردید. با افول قدرت آمریکا، دوره طلایی اقتصاد آمریکا و اقتصاد جهانی به پایان رسید و دنیا به یکباره با تورم شدید مواجه گردید. در سال 1973 نخستین بحران نفتی نیز مسأله را پیچیده‌تر کرد و اقتصاد جهانی را به شرایط تورم همراه با رکود مواجه ساخت. با فروپاشی نظام برتون وودز نقش صندوق بین‌الملل پول نیز درهم شکست و کشورهای بزرگ صنعتی نتوانستند شیوه‌ای را برای همکاری بین سیاست‌های نرخ مبادلات ارزی در چارچوب صندوق بین‌الملل پول بیابند. آمریکا که در زمان پیمان برتون وودز با روش برابری قدرت خرید 36 درصد تولید ناخالص داخلی جهان

---

۱. European Common Market

را در اختیار داشت اکنون اندازه اقتصادش به 18 حدود درصد رسیده و تقریباً نصف شده است. به علاوه کشوری که از مازاد تجاری سرشاری برخوردار بود اکنون با 16 تریلیون بدهی بزرگترین کشور بدهکار با تراز تجاری منفی و کسری بودجه مزمن است که نشانه های واضح افول این کشور و پایان جهان روایی آن و لزوم تغییر ساختار اساسی نهادهای اقتصاد بین الملل و تأسیس نهادهای پولی و مالی و تجاری مبتنی بر بازاریایی ظرفیت های اقتصادی جدید جهان و متناسب با تجدیدنظر مبتنی بر شراکت در جهان بجای مدیریت تک قطبی در جهان است.

ظهور بحران در اقتصاد سیاسی بین الملل از دهه 70 به بعد، ناشی از بروز چالش در کارکرد رژیم های بین المللی و نیز سازمان های اقتصادی، تجاری، سیاسی و حتی نظامی بین المللی مانند صندوق بین الملل پول، بانک جهانی، ناتو و گات است و علت بحران نیز شانه خالی کردن آمریکا از پرداخت هزینه های تأمین کارکرد این سیستم ها ایجاد شده است. سازمان تجارت جهانی در کنار صندوق بین الملل پول، بانک جهانی و سازمان ملل متحد نتوانسته اند مانع از بروز بحران های بزرگ شوند به عبارت دیگر، اگر چه از آن زمان تاکنون ما با انواع و اقسام بحران هایی چون بحران نفتی و اقتصادی در دهه 70، بحران مالی آسیا در دهه 90 و بحران های اخیر مالی و پولی و شروع دوباره نظامی گری توسط لیبرالها و جمهوری خواهان امریکایی و غربی ها مواجه بوده ایم ولی این نهادها نتوانسته اند از بروز بحرانها جلوگیری کرده و نقش مهمی در مدیریت بحران ها داشته باشند و کاملاً منفعل عمل می کنند.

##### 5- شکل گیری جنبش عدم تعهد با رویکرد استقلال طلبی

در سال 1954 و در حالی که جهان شاهد حرکت بیش از پیش به سمت دو قطبی شدن به رهبری دو ابر قدرت وقت یعنی ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی بود تعدادی از کشورهایی که خواهان حفظ استقلال در سیاست خارجی و عدم الحاق و وابستگی به یکی از دو بلوک شرق و غرب بودند در پایتخت سریلانکا اجتماع کرده و درباره همکاری با یکدیگر به توافق رسیدند و اولین تلاش در راستای همبستگی و همکاری و دستیابی به مواضع مشترک صورت گرفت. یک سال بعد در سال 1955 نخستین اجلاس مشترک کشورهای آسیایی و آفریقایی در شهر باندونگ اندونزی تشکیل گردید و در مذاکراتی که اساس آن اندیشه های ضد استعماری گاندی و نیز جنبش ملی کردن صنعت نفت در ایران بود بر لزوم تشکیل یک سازمان و جنبشی که تعهد و وابستگی و پیوستگی سیاسی، نظامی و امنیتی به هیچ یک از دو بلوک متخاصم نداشته باشد تأکید کردند. جواهر لعل نهرو نخست وزیر وقت هندوستان و جمال عبدالناصر رئیس جمهوری مصر که میهمان احمد سوکارنو رئیس جمهوری اندونزی بودند هر سه توانستند پایه گذار اولیه جنبش عدم تعهد شوند. (عبدالرشیدی، 1365)



شش سال بعد در سال 1961 مارشال یوسیپ تیتو رئیس جمهوری یوگسلاوی و قوام نکرومه رئیس جمهور غنا نیز در بلگراد به سه رهبر دیگر پیوستند و رسماً بنیانگذار جنبش عدم تعهد<sup>1</sup> شدند و جنبش عدم تعهد در زمان اوج جنگ سرد و شکل گیری بلوک بندی های سیاسی (بلوک شرق و غرب) و نظامی (پیمان ناتو و پیمان ورشو) به وجود آمد. با اتمام جنگ سرد نیز جنبش عدم تعهد به فعالیت خود ادامه داد و به تدریج با پیوستن اکثر کشورهای در حال توسعه به آن بر دامنه کشورهای عضو این جنبش افزوده شد به گونه ای که هم اکنون جنبش عدم تعهد 120 عضو دارد که شامل 53 کشور افریقای، 40 کشور آسیایی، 26 کشور از آمریکای لاتین و کارائیب، و یک کشور از اروپا است. ایران به دلیل عضویت در پیمان نظامی بغداد (پیمان سنتو) نتوانست به عضویت جنبش غیرمتعهدها درآید ولی با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط رژیم سلطنتی پهلوی در سال 1979 و انحلال پیمان سنتو، جمهوری اسلامی ایران در سپتامبر 1979 همزمان با برگزاری ششمین اجلاس سران غیرمتعهدها رسماً به عضویت این جنبش درآمد.

#### 6- پتانسیل های بنیادی جنبش عدم تعهد

اعضای جنبش عدم تعهد با وجود آن که نزدیک به 50 درصد جمعیت جهان را تشکیل می دهند و کشورهای مهمی از تولیدکنندگان نفت را در خود جای داده اند و بازار بزرگ مصرف جهان محسوب می شوند، اما عملکرد اقتصادی شان در حد قابل قبولی نبوده و از مجموع حجم مبادلات تجاری جهان سهم این کشورها تنها 20 درصد است که نشان می دهد تقویت مدیریت مشترک جهانی و نزدیکی بیشتر این کشورها می تواند پتانسیل نهفته اقتصادی این جنبش را فعال کند. جنبش عدم تعهد از کشورهایی تشکیل شده که در دوران جنگ سرد در میان ابرقدرت های جهانی جای نداشتند و به همین خاطر جای نداشتن اعضای این جنبش در میان اقتصادهای بزرگ جهان چندان تعجب برانگیز نیست. با در نظر گرفتن تولید ناخالص داخلی (GDP) کشورهای جهان براساس برابری قدرت خرید در سال 2012 که توسط صندوق بین المللی پول ارایه شده است، در میان 20 اقتصاد بزرگ جهان نام 3 کشور عضو جنبش عدم تعهد یعنی هند، اندونزی و ایران به چشم می خورد. در میان ناظران جنبش عدم تعهد اقتصادهای بزرگی مانند چین، برزیل، مکزیک و آرژانتین حضور دارند و 10 کشور از 30 اقتصاد بزرگ جهان عضو جنبش عدم تعهد هستند.

اعضای جنبش عدم تعهد عمدتاً کشورهای در حال توسعه ای هستند که طی سال های اخیر با رشد اقتصادی قابل توجهی مواجه شده اند. کشورهای عضو جنبش، حدود 20 درصد اقتصاد، 40 درصد از نیروی انسانی فعال، 40 درصد از تولیدات کشاورزی و 70 درصد از منابع انرژی جهان را در اختیار دارند و این عامل مهمی برای تأثیرگذاری بیشتر در نظام جهانی است. (مصطفی پور، 1391) بزرگ ترین

تولیدکنندگان نفت اوپک در این جنبش حضور دارند و این امر نیز یکی از ابعاد اهمیت و قدرت جنبش غیرمتعهدها محسوب می‌شود. کشورهای ایران، عربستان، عراق، ونزوئلا، امارات، کویت، لیبی و نیجریه از جمله کشورهای نفتی مهم عضو این جنبش هستند. امروزه، وزن جنبش غیرمتعهدها نیز در جهان افزایش یافته است و می‌توان گفت این جنبش، درخصوص تأثیرگذاری بر سیاست بین‌الملل و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی، از توان و ظرفیت بسیار بیشتری نسبت به قبل برخوردار شده است. جنبش عدم تعهد با ارائه یک راهبرد اقتصادی، هماهنگی و وحدت رویه میان اعضای خود، می‌تواند از توان بسیار بالایی برای تأثیرگذاری بر معادلات جهانی و به تبع آن، مقابله با یک‌جانبه‌گرایی‌های قدرت‌های بزرگ در عرصه بین‌المللی برخوردار شود.

## 7- چالشها و فرصتهای موجود جنبش عدم تعهد

جنبش عدم تعهد که با مفهوم استعمارزدایی در دوران جنگ سرد شکل گرفت، نمی‌تواند در اوضاع کنونی در مقابل استثمار ملل ضعیف که در قالب استعمار اقتصادی در بند کشورهای قدرتمند هستند، بی‌توجه باشد. در نظام بین‌الملل همواره قدرت‌های بزرگ به‌دنبال این بودند که کشورهای ضعیف را تحت سلطه خود درآورند. در قرون مختلف، استعمار اشکال گوناگونی داشته است، در قرون هجده و نوزده، استعمار با استفاده از ابزار قدرت نظامی و تسلط بر یک کشور انجام می‌گرفت و امروزه نیز به شکل استعمار اقتصادی درآمده است. امروزه، نظام سلطه در راستای اهداف غیرانسانی و منفعت‌طلبانه خویش با طرح نظم نوین جهانی به‌دنبال یک برتری در قالب شعارهای دروغین از جمله لیبرال‌دموکراسی و اقتصاد جهانی آزاد است. آمریکا با دخالت سیاسی در امور داخلی کشورها و دخالت اقتصادی بوسیله نهادهای پولی و مالی تحت سیطره خود و فعالیتهای انحصاری شرکت‌هایش در کشورهای جهان سوم بزرگترین ناقض دموکراسی و جریان آزاد اقتصاد در جهان است.

در این شرایط شایسته است جنبش عدم تعهد به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مجامع جهانی، نظم نوین اقتصاد جهانی را بر اساس تأمین و ارتقای حقوق انسانی، آزادی، خوداتکایی ملتها و عدالت با هدف رفع نظام سلطه اقتصادی غرب به سرکردگی آمریکا، سرلوحه کار خویش قرار دهد. به قول کی‌آر. نارایانان رئیس‌جمهور اسبق هند این سیاست‌ها روح جنبش عدم تعهد است و حتی وقتی که شما در حال پیگیری ابهامات اقتصاد جهانی یا حذف اختلاف‌های اقتصادی هستید، با این پیگیری نوعی گرایش سیاسی در حال حرکت است و به این جنبش زندگی حیاتی می‌دهد ولو اینکه این مسأله یک طرح اقتصادی باشد. از این رو نبرد برای یک نظم اقتصادی جدید نبرد علیه نئومپریالیسم است. با فروپاشی نظام دوقطبی، جنبش عدم تعهد دارای موفقیت مناسبی شد فروپاشی نظام کمونیستی با تسریع رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه عضو نظیر هند، اندونزی، مالزی و ایران همراه شد. جنبش عدم تعهد در چند سال

اخیر با دو موضوع مهم مواجه گردیده و این دو موضوع هم اهمیت این جنبش را مورد تأکید قرار داده اند. اتفاق اول وقوع بیداری اسلامی که مقدمه آزادی عمل تعداد دیگری از اعضا در برابر بلوک غرب را فراهم کرد و سبب گردید یکی از مهمترین بنیان‌گذاران جنبش یعنی مصر از سیطره غرب خارج شود. اتفاق دوم بن بست اقتصادی و سیاسی بلوک سرمایه‌داری است و همانطور که گاندی تأکید کرده بود سیطره اقتصادی غرب بسیار زیانبارتر از سیطره نظامی آن است. در دوره جدید سیطره اقتصادی غرب دچار چالش جدی گردیده و دامنه آن به حوزه سیاسی هم سرایت کرد و جهان روایی نظام لیبرال دموکراسی را مورد تردید و تهدید جدی قرار گرفته است.

با توجه به اینکه امروزه آمریکا پیش‌تاز استعمار و استثمار کشورهای جهان سوم و در حال توسعه و حمایت از استبداد است، اعضای جنبش عدم تعهد باید با همدلی و همکاری، پیش‌تاز اعتدال و استقلال در جهان معاصر باشند. اعضای جنبش باید برای رسیدن به تعاریف جدیدی از نظم بین‌الملل مبتنی بر عدالت و انسانیت و برخورداری از امکانات برای همه ملل جهان تلاش کنند و با همبستگی و همگرایی، گام‌های عملیاتی را در راستای تقویت وحدت و همگامی در تقابل با سلطه‌گران جهانی به‌ویژه امپریالیسم غرب و صهیونیست جهانی بردارند و از فرصت‌های پیش‌آمده نهایت بهره‌برداری را بکنند. جنبش عدم تعهد که عمدتاً کشورهای در حال توسعه جهان سوم را شامل می‌شود، می‌باید با همگرایی و وحدت بیشتر اعضا و استفاده از ظرفیت‌های سیاسی و اقتصادی داخلی، با یک‌جانبه‌گرایی قدرت‌های بزرگ در نظام جهانی مقابله کند و روش‌ها و برنامه‌های جدیدی را برای مدیریت مسائل جهان به‌کار گیرد.

#### 8- ظرفیتها و فرصتهای اقتصادی جنبش عدم تعهد

در شرایطی که بیداری در مقابل سلطه طلبی غرب با الگو پذیری از استکبار ستیزی ایران به عنوان مستقل‌ترین و غیر متعهدترین کشور دنیا و سمبل مقاومت در برابر فشارهای غرب و صهیونیسم جهانی و مظهر آرمان عدم تعهد، استقلال کشورها و کرامت ملتها در بخش وسیعی از جغرافیای جنبش عدم تعهد به وجود آمده است که به اندیشه‌های اصیل اولیه جنبش نزدیک می‌گردد و در شرایطی که سیطره اقتصادی و سیاسی غرب بر نظام بین‌الملل و بخصوص در جغرافیای جنبش عدم تعهد، متزلزل و دایره آن کاسته شده است، فرصتی مهم در اختیار جنبش و بخصوص کشورهای قدرتمندتر آن نظیر ایران، هند، اندونزی، مالزی، آفریقای جنوبی، ونزوئلا، پاکستان، تایلند و دیگران قرار گرفته تا با بازخوانی اهداف اولیه و بازتعریف رویکردهای آن به گونه‌ای که با این شرایط جدید همخوانی داشته باشد به یک بلوک مهم قدرت و به تعبیری بزرگترین بلوک قدرت بین‌الملل با توجه به حضور دوسوم کشورهای جهان در این جنبش شکل بدهند.

روش عمل جنبش عدم تعهد در دوره گسترش سریع آن به عنوان یک جنبش بین المللی تغییر کرده است. این جنبش که در ابتدا یک راهبرد سیاسی علیه امپریالیسم و استعمارگرایی بود که به صورت جمعی توسط دولت‌های آزادی خواه دنبال می شد، پس از مدتی به یک جنبش اقتصادی جمعی از کشورهای جهان سوم و در حال توسعه تبدیل و در صدد برقراری یک نظام اقتصادی بین‌المللی جدیدی برآمد که بر برابری و عدالت پایه گذاری می‌شود. (مرفل، 2004) در حالی که امپریالیسم سیاسی مستقیم بوسیله استعمار در گذشته وجود داشته، اکنون استثمار توسط امپریالیسم فرهنگی و اقتصادی به وسیله همان قدرت های تمامیت خواه اعمال می شود که یک واقعیت منفور دوران معاصر است.

فرایند جهانی شدن و استفاده از سازمان تجارت جهانی برای مجبور کردن کشورهای در حال توسعه به کاهش حصارهای گمرکی و تجاری، در حالی که به بهانه حمایت از اقتصاد کشورهای در حال توسعه و ایجاد مزیت رقابتی ادامه می دهد، دستمایه وابسته و تک محصولی نگه داشتن اقتصاد کشورهای در حال توسعه است. جوزف استیگلیتز، اقتصاد دانان مشهور و قائم مقام سابق بانک جهانی، در مقاله انتقادی اش در مورد جهانی شدن بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را ابزار انتشار ایدئولوژی بنیادگرایی بازار معرفی میکند. وی می افزاید صندوق بین المللی پول این سیاست ها را بدون اینکه نگرش وسیع تری از جامعه یا نقش اقتصاد در جامعه داشته باشد تحمیل می کند و این سیاست‌ها به روشی تحمیل می شود که دموکراسی های در حال پیدایش را تحلیل می برد و جهانی شدن برای کشورهای در حال توسعه به ویژه برای کشورهای فقیر بسیار زیان آور است.

بسیاری از کشورهای عدم تعهد بازار مصرف قدرت های بزرگ جهانی را تشکیل می‌دهند و در مقابل قدرت های جهانی نیز از مواد خام و منابع طبیعی و انرژی کشورهای عضو جنبش استفاده می‌نمایند. این نوع از نیاز بخصوص برای کشورهای عضو جنبش باعث می گردد تا دوران وابستگی اقتصادهای جهانی به یکدیگر به عنوان یک عامل محدود کننده جنبش خودنمایی می کند. از آنجا که امروزه جنگ اقتصادی در حوزه صادرات معطوف است نه واردات، تشکیل اتحادیه های تجاری و تشکل‌های منطقه ای می تواند بازارهای صادراتی برای کشورهای عضو صادرکننده تامین کرده، موجب تقویت بنیه اقتصادی آنها گردد و از سلطه غرب بر بازارهای کشورهای عضو جلوگیری کند. بازار کشورهای عضو جنبش با رویکرد حمایت از تولید ملی و تولیدات برای صادرات در ایران بازار هدف بسیار مطلوبی برای توسعه صادرات کشور و همچنین کاهش وابستگی کشورهای عضو جنبش به کشورهای غیر عضو گردد.

## 9- نهادسازی به عنوان راهبرد توسعه اقتصادی جنبش عدم تعهد

ارتقای توان اقتصادی اعضای جنبش می‌تواند آنها را در اتخاذ اقدامات موثرتر، توانمندتر و مقتدرتر کند. از جمله همکاری کشورهای مستقل در قالب گروه بندی‌های منطقه‌ای می‌تواند سنگ بنای محکمی برای تقویت قدرت کشورهای عضو در نظام بین‌الملل باشد. ارتباط و اتصال این گروه‌بندی‌ها با یکدیگر، می‌تواند شبکه مستحکم، قوی و چندجانبه‌ای از کشورهای مستقل جهان را تشکیل دهد که بتواند در تمام ابعاد نظام بین‌الملل اعم از اقتصادی، تجاری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نقش مؤثری ایفا نماید. نقشی که شایسته این کشورهاست و می‌تواند در تبدیل نظام جهانی به نظامی رو به رشد و مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی و انسانی کمک‌کننده باشد. بدهی و کسری کشورهای عضو و سازوکار فعلی تعبیه شده توسط نهادهای مالی آمریکایی از مهمترین ابزارهای اعمال فشار و باج خواهی از این کشورهاست. در حالی که استعمار اروپا در آفریقا و استعمار ایالات متحده در آمریکای جنوبی با جلوگیری از ارتباطات اقتصادی و فرهنگی بین کشورهای همجوار سال‌ها مانع از بهره‌مندی این کشورها از قدرت هم‌افزایی‌های منطقه‌ای شده‌اند، تشکیل نهادهای مالی با حضور اعضای جنبش با سازوکار اصلاح ساختار اقتصادی اعضا به کمک کشورهای عضو جنبش مخصوصاً کشورهای همجوار راهکاری برای رهایی چنین کشورهایی از بند استعمارگری نوین است.

بحران مالی جنوب شرق آسیا اولین زنگ هشدار جدی برای کشورهای در حال توسعه در خصوص خطر وابستگی به اقتصاد سرمایه‌داری غرب و الگو گرفتن از آنها بود. در این میان، اقتصادهایی که با رویکرد آگاهانه نسبت به نقاط ضعف این نظام، از پیروی کورکورانه از نسخه‌های ثابت ارائه شده اجتناب کردند، توانستند با آسیب بسیار کمتری این بحران را از سر بگذرانند. پس از آن، بحران اقتصادی جهانی که از بازار مسکن آمریکا سربرآورد و سپس با گسترش از بخش مالی، بخش واقعی اقتصاد آمریکا و سپس سایر کشورهای جهان را درنوردید، نشان داد که اقتصاد و مالیه بین‌الملل نیازمند تجدید ساختار کلی و تعریف مجدد مولفه‌های مورد نیاز برای تنظیم یک اقتصاد بین‌الملل کارآمد مبتنی بر یک رویکرد عادلانه و منصفانه است. از همان ابتدای جهانی شدن بحران، این واقعیت بخوبی روشن شد که کشورهای در حال توسعه، هرچقدر کمتر به اقتصاد سرمایه‌داری وابسته بودند، آسیب کمتری را از تصمیم‌گیری‌های نظام سرمایه‌داری غرب متحمل شدند. این امر بخوبی نشان داد که دیگر قدرت در نظام اقتصاد بین‌الملل نمی‌تواند و نباید در انحصار یک یا چند کشور باشد.

ظرفیت بالقوه کشورهای عضو چنان توانی را به اعضای جنبش عدم تعهد می‌دهد که در صورت غلبه بر چالش‌های داخلی مثل تعهدات پیدا و پنهان بسیاری از کشورهای عضو به قدرت‌های موجود، این جنبش می‌تواند به بازیگری تأثیرگذار و قاعده‌ساز در شرایط کنونی جهان تبدیل شود. جنبش عدم تعهد می‌تواند با برنامه‌ریزی راهبردی خود را از وابستگی به غرب و نهادها و رژیم‌های سیاسی و

پولی و مالی آن درآورده و خود به نهاد سازی و رژیم سازی بپردازد. تأسیس نهادهای پولی و مالی مختص اعضای جنبش، استفاده از یک واحد پولی جایگزین دلار و یورو برای جلوگیری از دست کاری اقتصاد کشورهای عضو توسط نظام سلطه غرب، گسترش مناسبات پولی به منظور به کارگیری ارز رایج خود کشورها و یا سایر ارزهای بومی و منطقه ای در بخش اقتصادی بسیار مفید خواهد بود.

#### 10- ظرفیت های قابل استفاده جمهوری اسلامی ایران در دوره ریاست جنبش

انجام معاملات بین المللی که عمدتاً با ارزهایی همچون دلار و یورو صورت می گیرد، امکان رصد کردن معاملات را در اختیار بانک های مرکزی امریکا و اتحادیه اروپا به عنوان تأییدکنندگان ارز مورد معامله قرار می دهد. هر چند استفاده از تکنیک های بانکی برای خنثی سازی تحریم ها می تواند در کوتاه مدت مؤثر باشد اما اتخاذ راهبرد بلند مدت به منظور ایجاد ساختارهای جدید در نظام مبادلات خارجی کشور، منطبق بر شرایط موجود و مبتنی بر کاهش استفاده از ارزهای واسط ضروری است. بهره مندی از تجربه موفق کشورهای اروپایی بعد از جنگ جهانی دوم در قبال مشکل کمبود ذخایر ارزی و عدم تمایل به استفاده از دلار، یک نمونه موفق بوده است. کشورهای اروپایی با تشکیل اتحادیه پرداخت های اروپایی در سال 1950 و توسعه نهادهای مرتبط در سال های بعد از آن و در نهایت تاسیس بانک مرکزی اروپا که مسیر ایجاد پول واحد اروپایی را هموار نمود، موجب گردیدند علاوه بر کاهش آسیب پذیری اروپا از دلار، نقش اروپا در اقتصاد جهانی افزایش یابد.

امروزه بیش از 60 درصد ذخایر ارزی کشورهای جهان و همچنین مبادلات بین المللی با واحد پول ایالات متحده انجام می شود. این امر علاوه بر اینکه منافع عظیم ناشی از درآمدهای دلاری سایر کشورها را به اقتصاد امریکا ارزانی داشته است، امکان استفاده ابزاری از دلار را برای این کشور فراهم نموده است. منافع اقتصادی ایالات متحده از مجرای استیلای دلار بعد از جنگ جهانی دوم بسیار هنگفت است به طوری که از یک سو کارکرد مبادلاتی دلار به عنوان واحد پول بین المللی ثروت هنگفتی را برای ایالات متحده فراهم آورده است و از سوی دیگر کارکرد ذخیره ارزش دلار در واقع ثروت انباشته شده سایر کشورها را نصیب این کشور کرده است. علاوه بر منافع اقتصادی هنگفتی که در شصت سال گذشته نصیب ایالات متحده شده است، این کشور از منافع سیاسی فراوانی نیز در راستای اهداف خود بهره جسته است. اعلام تحریم های اقتصادی علیه کشورهای دشمن از آن جمله است. از آنجا که انجام معاملات به واحد پول هر کشوری مستلزم نظارت بانک مرکزی آن کشور است لذا مبادلات تجاری به دلار در سراسر جهان تحت کنترل و نظارت بانک مرکزی امریکا صورت می گیرد به طوریکه تمام مبادلات دلاری تحت نظارت فدرال رزرو امریکا تسویه می شود.

افزایش سهم پول ملی در تجارت بین‌المللی، منافع فراوانی را برای کشورها به همراه دارد. تنوع گسترده ارزها و رقابت آنها در معاملات آتی جهانی موجب تحرک کشورها برای ایجاد نظام ارزی بین‌المللی جدید و جانشین دلار خواهد شد. نظام ارزی آینده، میدان رقابت و سهم خواهی ارزهایی است که در نظام موجود، مقبولیت جهانی کسب کرده باشند. تسویه مبادلات با واحد پول کشورهای طرف تجاری به عنوان راهکار پیشنهادی، می‌تواند طی یک فرآیند تدریجی و با شروع از مرحله آزمایشی و پایلوت تا مراحل اجرای کامل، مسیر تجارت خارجی کشورها را تا اندازه‌ای بهبود بخشیده و انجام معاملات را تسهیل کند که اتحادیه پایاپای آسیایی با حضور جمهوری اسلامی ایران و هشت کشور دیگر منطقه تشکیل‌گرفته نمونه‌ای از مناسبات پولی منطقه‌ای است.

در شرایطی که اقتصاد کشور در مسیر رشد و توسعه قرار گرفته و هر ساله به حجم مبادلات و تجارت خارجی کشور افزوده می‌شود ایجاد همکاری‌های گمرکی نقش مهمی در سیاست‌گذاری‌های تجاری کشورها و تغییر موازنه‌های اقتصادی دارد و جمهوری اسلامی ایران با حدود 30 کشور عضو جنبش غیر متعهد، موافقت‌نامه و یادداشت تفاهم همکاری گمرکی امضا کرده است. تاسیس صندوق‌های مشترک کالایی مانند اوپک نیز عامل مهمی در صیانت از منابع کشورها و جلوگیری از تاراج ثروت کشورهای کمتر توسعه یافته و جهان سوم توسط کشورهای سلطه طلب است. بیمه‌ها نیز امروزه نقش کلیدی در روانسازی سرمایه‌گذاران و تجارت بین‌المللی در دنیا دارند و بیمه‌گری حجم عظیم تجارت بین‌المللی می‌تواند توسط یک یا چند شرکت بیمه‌ای مشترک که در برگیرنده منافع اعضا باشد انجام گیرد.

از نقاط ضعف اساسی جنبش عدم تعهد نداشتن دبیرخانه دائمی و سازوکاری سازمانی برای پیگیری مصوبات می‌باشد. با وجود هماهنگی‌های غیر متعهدانه در سازمان ملل متحد، این جنبش به علت نداشتن دبیرخانه‌ای ثابت هنوز نتوانسته زمینه اجرای مصوباتش را فراهم آورد. در سالهای اخیر و به ویژه پس از نشست دوربان، سازوکاری تحت عنوان تروئیکای عدم تعهد شکل گرفت که در دو سطح وزیران امور خارجه و سران رایزنی‌هایی را با اعضا برای اجرای مصوبات یا حداقل پیگیری آنها آغاز کرده است. هر چند مشابه چنین سازوکاری را در اتحادیه اروپایی با سازمان کنفرانس اسلامی نیز شاهد هستیم ولی در مورد جنبش عدم تعهد تروئیکای غیر متعهدانه با مشکلات بیشتری روبرو هستند چرا که این جنبش اساساً فاقد ساختار سازمانی است و کماکان با وجود گذشت حدود پنج دهه از نخستین نشست سران جنبش عدم تعهد همانگونه که از اسمش بر می‌آید به عنوان جنبش باقیمانده است. نهادسازی با استراتژی حرکت از موضوعات کمتر چالش‌برانگیز از جمله اقتصاد و فرهنگ به سمت موضوعات سیاسی و امنیتی حساس، در این میان می‌تواند راهگشا باشد.

## 11- جمع بندی

جنبش عدم تعهد قادر است تا به مهمترین محور و مرکز همکاری های اقتصادی در نظام بین الملل تبدیل شود کما اینکه تلاش کرده است تا با تاسیس سازوکارهایی در داخل خود نظیر مرکز همکاری فنی جنوب-جنوب به این مهم دست یابد. تاسیس بانک توسعه ای، صندوق پولی و مالی، آژانس تضمین سرمایه گذاری، نهاد بیمه گری و سازمان تجارت، صندوقهای کالایی در بین کشورهای عضو جنبش از جمله نهادسازی های مهم در حرکت به سوی یک تحول در جنبش و یک تحرک راهبردی در عرصه بین المللی است. جنبش می تواند تا به نیروی موثری در روند جهانی شدن اقتصاد تبدیل شده و از تثبیت این جریان براساس منافع و علایق محض قدرتهای هژمون جلوگیری نماید و استقرار دبیرخانه دائمی در تهران گام بسیار مهمی در جهت پیشبرد اهداف مذکور خواهد بود.

یکی دیگر از ظرفیت های اقتصادی جنبش عدم تعهد، بازار گسترده ای است که این جنبش می تواند برای هر یک از اعضا فراهم کند. کشورهای عضو این گروه بیش از نیمی از جمعیت جهان را به خود اختصاص می دهند که یک بازار مناسب برای محصولات و کالاهای اعضا به حساب می آید. همچنین برخی از کشورهای عضو جنبش وابستگی بالایی به صادرات سوخت دارند و از 40 کشور تولیدکننده و صادرکننده فرآورده های نفتی 27 کشور عضو جنبش عدم تعهد هستند که با گسترش همکاری تمام اعضای جنبش که دارای ذخایر انرژی هستند می توان از آن بعنوان اهرمی قوی برای چانه زنی در برابر قدرتهای هژمون استفاده کرد.

از منظر توسعه تجارت نیز کشورهای عضو می توانند از ابزارهای رونق دهنده تجاری مانند استفاده از تعرفه های ترجیحی بین اعضا، استفاده از پول ملی در تبادلات تجاری و گسترش سرمایه گذاری های مشترک به مثابه ابزاری برای بهبود وضعیت اقتصادی خود استفاده کنند. همچنین اعضای سازمان های اقتصادی منطقه ای مهمی همچون اکو، سارک، مرکوسور، آلائی، سازمان همکاری اسلامی، آسه آن و غیره عضو جنبش عدم تعهد بوده به همین دلیل جنبش می تواند نقش راهبردی در عرصه اقتصاد بین المللی داشته باشد.

محمد جواد ابروانی

فروردین 1393



## فارسی

ساعی، احمد و پیلتن، فرزاد، 1390، نظریه ثبات هژمونیک، اقتصاد جهانی و تجارت چند جانبه، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی کرج، شماره شانزدهم، ص 98.

شیخان، محمد، 1391، مروری اجمالی جنبش عدم تعهد، مرکز پژوهش و سنجش و اسناد ریاست جمهوری.

عبدالرشیدی، علی اکبر، 1365، جنبش عدم تعهد، تهران، انتشارات سروش، ص 20.

علی بابایی، غلامرضا، 1383، فرهنگ سیاسی تهران، نشر آیان، ص 289.

گلریز، حسن، 1366، سازمان‌های پولی و مالی، انتشارات مؤسسه بانکداری ایران.

مصطفی پور، منوچهر، 1391، ویژگی‌های اقتصادی کشورهای عضو جنبش عدم تعهد، مجله اقتصادی، ماهنامه بررسی مسائل و سیاستهای اقتصادی، شماره 6 و 7، ص 161-170.

## انگلیسی

“A Short History of Nato”, [www.nato/history/nato-history.html](http://www.nato/history/nato-history.html). Retrieved 2013-10-29.

Commission of Experts on Reforms of the International Monetary and Financial System, official site. Un-ngls.org. Retrieved 2013-10-29.

Ford, David B., “Review of Fair Trade for All, by Joseph Stieglitz and Anderw Charlton”, American journal Economics, 90(2), 2008.

Imf.org./ extern/ about/ history.htm. Cooperation and reconstruction (1944-71), Retrieved 2013-10-29.

Jaekson, John H., 1994, Managing the trading system: The world trade organization and the post-uruguay Round Gatt Agenda, in peter B. Kenen managing the world economy: Fifty years after bartton woods. Institute for International Economics.

John Harvey Encyclopedia of political Economy, Edited by ohara, second edition, pp.2004.

Layne, Christopher, The end of pax American: How western decline became Inevitable, theatlantic.com. Retrieved 2013-10-29.

Morphel, Sally, 2004, Multilateralism and Non-Aligned movement: what is the Global south doing and where is it Going? Global Governance, 10, pp.517-537.

U.S. Bureau of the Census, Statistical Abstract of the United States: 1954(1955) table 1075 p.899.

Wade, Robert, 2000, U.S. Hegemony and the World Bank: Stiglitz's Firing And Kanbur's Resignation, pp. 9–10.

WorldBank.org/en/about/what we do, Retrieved 2013-10-29.

WorldBank.org/Home/ about us/ Archives/ World Bank Group Prsidents, Retrieved 2013-10-29.

Wright, Michad, 1989, Illustrated History of World War II, London, Reader's Digest Association.